



# دانش بسازیم

فاطمه ایراندوست، دبیر عربی، منطقه میمه، استان اصفهان

از هر نظریه‌ای که به یادگیری انسان بپردازد، می‌توان کاربردهای آموزشی استنتاج کرد. بدون شک مهارت‌های تدریس موروثی نیستند، اما می‌توان از اطلاعاتی که افراد بسیاری در نتیجه تجربه‌های خود کسب کرده‌اند استفاده کرد. پژوهش حاضر به دنبال خلق روش یا نظریه‌ای خاص نیست، بلکه در پی آن است با استفاده از اطلاعاتی که از نتایج پژوهش‌های صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در اختیار قرار دارد، زمینه موفقیت معلمان مدرسه‌ها را فراهم کند و به‌طور گذرا، برخی راهکارهای موجود در جهت بهبود وضعیت مدرسه‌ها را بیان کند.

در گام نخست، آشنایی با چند اصطلاح خالی از فایده نیست.

از جمله نظریاتی که شناخت و آشنایی با آن در جهت تغییر نقش معلمان از یاددهنده به یادگیرنده به آنان کمک می‌کند، نظریه ساختن‌گرایی است. این نظریه در سال‌های اخیر شهرت زیادی کسب کرده است و بنا به گفته متیوس (۱۹۹۸)، در سه دهه گذشته بیشتر از ۵۰۰۰ مقاله علمی درباره جنبه‌های گوناگون سازندگی و رابطه آن با آموزش و پرورش منتشر شده است. نظریه سازندگی یادگیری با نظریات دیگر یادگیری از جمله رفتاری و خبرپردازی متفاوت است. اعتقاد پیروان نظریه سازندگی یادگیری بر آن است که یادگیرندگان، براساس تجربه‌های شخصی خود، دانش (مفاهیم و اصول و فرضیه‌ها) را می‌سازند و این کار را به‌طور فعال انجام می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت، سازندگی به آن دیدگاهی گفته می‌شود که بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و معنی بخشیدن به اطلاعات تأکید می‌ورزد.

## کاربردهای آموزشی نظریه سازندگی یادگیری

روش آموزشی ساختن‌گرایی باید بر فعالیت یادگیرنده در جریان ساختن دانش تأکید بورزد و اصطلاحا شاگردمحور باشد. از این رو می‌توان گفت، بهترین روش آموزشی برخاسته از این نظریه، روش آموزشی مبتنی بر یادگیری اکتشافی است (همان، ۳۳۶).

## شرایط یادگیری از نظر پیروان نظریه ساختن‌گرایی

بنا به گفته سیف در کتاب «روانشناسی پرورشی»، دریسکول (۱۹۹۴) برای تحقق هدف‌های یادگیری مبتنی بر سازندگی در یادگیرندگان شرایطی را مفید تشخیص داده است که عبارت‌اند از:

### محیط‌های یادگیری پیچیده

پیروان این نظریه بر این باورند که چون در دنیای واقعی غالباً مسائل و موقعیت‌های پیچیده بر سر راه یادگیرندگان قرار می‌گیرند، محیط‌های آموزشی نیز باید یادگیرندگان را با این‌گونه مسائل و موقعیت‌ها روبه‌رو کنند. معلمان باید بکوشند در یادگیرندگان توانایی برخورد با محیط‌های پیچیده را ایجاد کنند و به آنان فرصت دهند خود با مسائل پیچیده کنار بیایند. لازم است معلمان آنان را در یافتن منابع مورد نیاز یاری دهند و پیشرفتشان را زیر نظر بگیرند و هدایت کنند.

### مذاکره اجتماعی

طبق این باور، بسیاری از مسائلی که هیچ یادگیرنده‌ای به تنهایی قادر به حل آن نیست، از طریق تبادل اندیشه و مشارکت گروهی میان یادگیرندگان حل می‌شود. به‌منظور تشویق یادگیرندگان به مشارکت، باید از آنان خواست نظرات خود را بیان کنند و به نظرات دیگران گوش فرا دهند.

## کنار هم قرار دادن وجوه چندگانه

منظور از پهلوی هم قرار دادن وجوه چندگانه این است که موضوع واحدی از دیدگاه‌های متفاوت، با توضیحات متفاوت، مورد توجه قرار گیرند. در این شیوه، علاوه بر بحث و بررسی مسائل از زوایای گوناگون علمی، استفاده از حواس متعدد یادگیرنده نیز به درک و فهم بیشتر مطالب کمک می‌کند. به این معنا که وقتی یادگیرنده در ضمن یادگیری، انواع حواس بینایی، شنوایی و بساوایی خود را به کار می‌گیرد، جنبه‌های گوناگون مطلب را می‌آموزد.

## درک فرایند ساختن دانش

نظریه‌پردازان سازندگی اظهار می‌دارند، علاوه بر دانش شناختی و فراشناختی، یادگیرندگان موفق از نقش خود در ساختن دانش نیز آگاهند. از آنجا که فرض‌ها و تجربه‌های گوناگون، دانش‌های مختلف را می‌سازند، آگاهی یادگیرندگان از فرایند ساخت دانش سبب می‌شود از عواملی که تفکر و دانش‌اندوزی آن‌ها را تشکیل می‌دهند نیز آگاه شوند. لذا آن‌ها می‌توانند دیدگاه‌های خود را بسازند و از آن‌ها دفاع کنند، درحالی که به دیدگاه‌های دیگران احترام می‌گذارند و آن‌ها را تحمل می‌کنند.

## آموزش شاگردمحوری

در روش‌های آموزش معلم‌محوری، مانند روش آموزش سخنرانی، معلم ابتدا هدف‌های آموزشی خود را در

نقش معلمان از معلم یاددهنده به معلم یادگیرنده آشنا شدیم، برخی پیشنهادها را که از صاحب نظران براساس این نظریه ارائه کرده‌اند بیان می‌کنیم.

● دانش‌آموزان را از طریق روش الگودهی و تمرین مهارت بحث کلاسی برای شرکت فعال در بحث آماده کنید.

● موقعیت یادگیری را به گونه‌ای ترتیب دهید که دانش‌آموزان با دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع یا مسئله روبه‌رو شوند.

● از راه پرسیدن یک سؤال خاص، ارائه یک موضوع برانگیزنده یا خواستن از دانش‌آموزان که خودشان موضوعی را انتخاب کنند، به جریان بحث سازمان بدهید.

● اگر زمان محدود است و تنها یک موضوع باید انتخاب شود، از دانش‌آموزان بخواهید در یک حلقه قرار بگیرند و در یک بحث گروهی شرکت کنند.

● اگر وقت کافی در اختیار دارید یا اینکه یک موضوع چالش برانگیز مورد بحث قرار دارد، دانش‌آموزان را به گروه‌های پنج نفری تقسیم کنید و ترتیبی فراهم کنید که میان آن‌ها تماس چشمی برقرار شود.

● در هر گروه یک نفر را به عنوان هماهنگ کننده و نفر دیگر را به عنوان منشی برگزینید.

● هنگامی که گروه مشغول بحث است، با مهربانی اما در سکوت، فعالیت‌ها را مشاهده و فقط در صورتی دخالت کنید که فکر می‌کنید لازم است.

● پس از آنکه فرصت کافی برای بحث صرف شده، از گروه بخواهید از کار خود نتیجه‌گیری کنند (سیف، ۱۳۸۰: ۳۴۵-۳۴۴).

#### منابع

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰) روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). آکاد. تهران.
۲. لفرانسوا، گای. آر (۱۳۸۶). روان‌شناسی برای معلمان. ترجمه هادی فرجامی. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
۳. گلاور، جان ای و راجر اچ. برونینگ (۱۳۸۶). روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن. ترجمه علینقی خرازی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.
۴. حسن‌زاده، رمضان و گلین مهدی‌نژاد گرچی (۱۳۹۱). نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش. روان. تهران.



از یادگیرنده سر بزنند، بلکه به صورت راهنمایی‌هایی تعیین می‌شوند که جهت حرکت او را مشخص می‌کنند.

در این روش، معلم ابتدا باید هدف‌های کلی یادگیری را برای دانش‌آموزان تعیین کند. گام بعدی، ایجاد یک محیط یادگیری است که به یادگیرندگان فرصت دهد ضمن حرکت به سوی اهداف، علاقه‌ها و توانایی‌های شخصی آن‌ها نیز مورد احترام قرار گیرد. در این روش، تأکید معلم بیشتر بر فرایندهای یادگیری دانش‌آموزان است تا فراورده‌های فکری آنان. در این روش معلم بیشتر زمان خود را به در اختیار قرار دادن منابع و هدایت یادگیری دانش‌آموزان اختصاص می‌دهد (همان، ۳۴۲-۳۳۸).

### پیشنادهایی براساس نظریه ساختن‌گرایی

حال که با کلیات نظریه ساختن‌گرایی و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ آن با تغییر

اختیار شاگردان قرار می‌دهد. سپس به اجرای روش‌های متناسب با هدف‌های او اقدام می‌کند. سرانجام از شیوه‌های ارزشیابی برای تعیین مقدار آموخته‌های یادگیرندگان استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، معلم آنچه را باید آموخته شود و چگونه آموخته شود را کنترل می‌کند. اما در آموزش شاگردمحوری، معلم و شاگردان به کمک هم به طراحی آموزشی می‌پردازند. یعنی معلم و شاگردان به کمک هم تصمیمات مربوط به محتوای یادگیری، فعالیت‌های یادگیری و روش‌های مورد نیاز را می‌گیرند. معنا این نیست که در این روش معلمان هیچ هدفی ندارند و هیچ هدفی را دنبال نمی‌کنند، در روش آموزش شاگردمحور، هدف بسیار کلی‌تر از هدف‌هایی است که در آموزش معلم‌محور به کار می‌روند. در این روش، هدف‌های یادگیری نه به صورت اعمال و رفتاری که لحظه‌به‌لحظه باید